



۱۶

رستاک اندیشه

R A S T A K A N D I S H E

نشریه دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

شماره ۱۶ ، مهر و آبان ماه ۱۴۰۴



رستاک اندیشه

فهرست مطالب

دو ماهنامه رستاک اندیشه

سر مقاله فاطمه امیری	۵۲
ایران شناسی بوشهر، مروارید خلیج فارس	۵۶
دلی نوشته پژواک دانش	۱۴
مصاحبه جناب آقای دکتر محمد انصاری	۱۹
فرهنگ و تمدن ملل جشن های نیجریه	۳۴
معرفی اشخاص برجسته حافظ شیرازی	۳۹
مقاله اجتماعی جاده ابریشم و نقش افغانستان در تبادل فرهنگی	۴۴
شعر آیات خداوند	۵۱
فرهنگ و تمدن ملل شاورمای سوریه: طعم شرق و خاطره شهرها	۵۲
گزارش هفتمین دورهمی هم خوابگاهی ها	۵۵
دلی نوشته حضرت زهرا سلام الله علیها	۵۹
مقاله علمی تأثیر هوش مصنوعی بر جامعه و اشتغال	۶۱
شعر گذر از طوفان	۷۰

مجله دانشجویی؛ با همکاری معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)

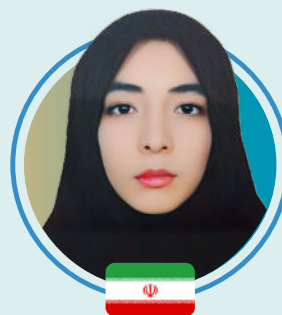
صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)
مدیر مسئول:	محمد مطلبی، معاون فرهنگی و دانشجویی
گردآورنده و ویراستار:	زهرا شبانی حسن آبادی؛ کارشناس امور فرهنگی
سر دبیر:	فاطمه امیری؛ دانشجوی کارشناسی رشته حقوق؛ اهل ایران
طراح جلد و صفحه آرا:	سبطین جعفری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر؛ اهل پاکستان
اعضای هیئت تحریریه:	فاطمه امیری، کیمیا پیردهقان، سبطین جعفری، محمد شریف حکیمی، یاعوبلو، اسماعیل ماهازاکا، محمد اسحاق امیری، سجاد فهیمی، سید حسین حیدری، اسراء نظام، فهیم یاریگ، حلیمه توسعیدی، مصمونه، اسدالله احمدی

۱۶

مهر و آبان

۱۴۰۴

مقاله



فاطمه امیری

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق

اهل ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

هنوز زمان زیادی نگذشته از هنگامی که قلم‌هایمان را آماده‌ی نوشتن از تابستان کرده بودیم و شگفتی‌های آن، هاله‌ی گرمی از مهر و همبستگی دور تا دور زندگی را فراگرفته بود که ناگهان دیدیم پاییز لبه‌ی پنجره نشسته و برگ‌های شمعدانی را نوازش می‌کند! هوای صبح هنوز در تابستان مانده و خورشید وسط آسمان عادت به پوشاندن خود ندارد. دمدم‌های عصر که آفتاب با تکه ابری چهره‌اش را می‌پوشاند و گل‌ها در آغوش یکدیگر جمع می‌شوند، تازه همه یادشان می‌افتد که باید روی شانه‌هایشان کتی بپندازند! ما چنین انسان‌هایی هستیم: همیشه عصر که می‌شود، یادمان می‌افتد که چقدر از زمان گذشته است...

درودی از پاییز؛ درودی سرشار از باران و برگ‌های زرد و نارنجی؛ سلامی با بوی خاک باران‌خورده بر شما همراهان شایسته و ماندگار نشریه فرهنگی دانشجویی رستاک اندیشه. گاهی اوقات انسان، غرق در بی‌خبری از گذر زمان، ناگهان درمی‌یابد که چقدر دیر و یا چقدر «پیر» شده است!...

باز هم همان حکایت همیشگی! پیش از آنکه با خبر شوی
نقطه‌ی غنیمت تو ناکزیری می‌شود آهی... ای دین و حسرت همیشگی!
ناگهان چقدر زود دیر می‌شود!...
(قیصر امین پور)





مقاله



پاییز که می‌شود، انگار دل زمین تنگ می‌شود. برگ‌ها آرام آرام از شاخه‌ها جدا می‌شوند؛ مثل قلب‌هایی که به اجبار از هم دل می‌کنند. پاییز فصل گذشتن است؛ فصل قبولِ تغییر... فصل تسکین... فصل امید دوباره رویدن؛ فصل باور اینکه هیچ برگِ زردی بی دلیل از درخت نمی‌افتد. پاییز یادمان می‌دهد که گاهی باید رنگ ببازیم تا دوباره جان بگیریم.

بامی به کنار جوی می‌باید بود
وز غصه کنار جوی می‌باید بود
این مدت عمر ما چو گل ده روز است
خندان لب و تازه روی می‌باید بود
(حافظ)

پاییز فصل درس و یادگیری است؛ فصل دستان کوچکی که مداد را محکم می‌فشارند تا آینده را بنویسند و چشم‌هایی که از پشت میزها، رویای فردا را تماشا می‌کنند. پاییز که می‌آید، حیات مدرسه دوباره جان می‌گیرد. برگ‌های زرد، زیرپای بچه‌ها خش خش می‌کند؛ مثل موسیقی دل انگیز شروع دوباره. بوی دفتر نو، صدای زنگ اول، نگاه‌های پر شوق و گاهی خجالتی دانش آموزان...

همه چیز یادآور آغاز است؛ حتی در دل این فصل پایان‌ها.

در پاییز «مهر» که به تازگی از کنار سفره‌ی «شهریور» بلند شده است، با گرمای مانده بر شانه‌اش از خانه‌ی تابستان، قدم‌هایش را آغاز می‌کند. سپس به لطافت بار نامش، مهرآمیز دستانش را بر شانه‌ی انسان‌های زمین می‌نهد تا از حضور خزان باخبرشان کند. مهر، تا مدتی، زمان بلاتکلیفی و تلاش برای برگشتن به خود است؛ تلاش برای استفاده از کارآمدی و اطمینان به استعدادهایی که مدت‌ها پنهان مانده اند.



مقاله



با بهمی مبهم باغی در باد با طرح مه آلود کلاغی در باد
از دور صدای پای پائیز آمد چون بچ پچ خاموش چراغی در باد

(قیصر امین پور)

پاییز امسال، روزهایی را در خود جای داده که نقش‌هایی از خرمی و عطش ماندن را در پیکره‌ی فرسوده‌ی زمین می‌کارند و به ثمر می‌رسانند. خوش‌یمنی مهر ماه به ولادت صبور مردی که معلمی بزرگ و پدری آگاه برای منجی جهان بود، گره خورده است. امام حسن عسکری (ع) که در تعلقات معنوی و قلبی مسلمانان جایگاه شریف و رفیعی دارد، در روزهای ابتدایی این ماه چشم به جهان گشود. جنگجویی خستگی‌ناپذیر که امید به صلح و روشنی این زمین خاکی، به نیکی حضور کودکی از رگ و ریشه او در دل‌های امیدواران نشسته است. این روز فرخنده و با سعادت را مبارک می‌شماریم.

مناسبت دیگری که به برکت روزهای خنک مهر می‌افزاید، زادروز حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) است که از راویان حدیث شیعه در قرن سوم هجری و از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) به شمار می‌رود.

وزن حضور پاییز در «آبان»، زانوهای فرسوده‌ی انسان را خم می‌کند. آبان نمی‌داند آمدنش یعنی دیر شده یا هنوز مدت زیادی باقی مانده است؟! حالا باید شال‌گردن‌ها را از چمدان‌های قدیمی بیرون آورد؛ کم‌کم باید جوراب‌های ساق‌دار به پا کرد و به معجزه‌ی چای دم‌صبح ایمان آورد! آبان روزهای بسیاری دارد؛ بسیارتر از مهر، بسیارتر از شهریور! آبان دیر می‌گذرد، دلتنگ است و اگر زبان داشت، شاید می‌گفت روی کدام پله، جلوی کدام درب چوبی، به انتظار چه کسی نشسته است؟!

آذر» که می‌رسد، هوا بوی زمستان می‌گیرد؛ اما هنوز گرمای دلِ آدم‌ها در دلِ سرمایش پیداست. آذر، ماهی است میان دو فصل؛ نه آن قدر پاییزی که دل را غم بگیرد، و نه آن قدر زمستانی که همه چیز یخ بزند. ماهِ آرامش و تأمل، ماهِ چراغ‌های کوچک امید در دلِ شب‌های بلند.

آذر می‌آید با شال‌های رنگی، با بخار نفس‌های روی شیشه، با چای داغی که کنار پنجره می‌چسبد و با دل‌هایی که کم‌کم آماده‌ی یلدا می‌شوند؛ طولانی‌ترین شب سال، اما روشن‌ترین از مهرِ آدم‌ها است.

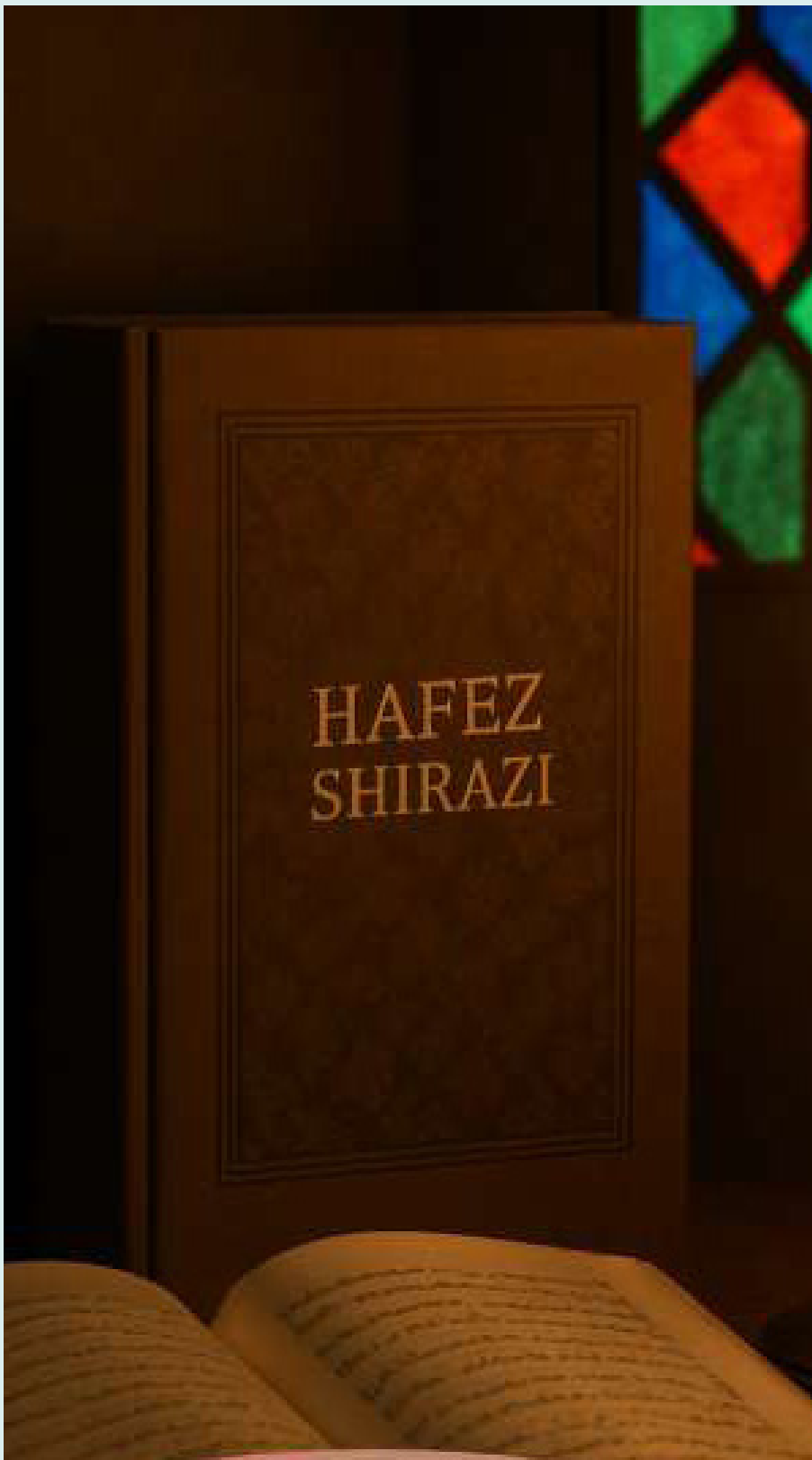


مقاله

ما ملتی هستیم که به شعر آراسته‌ایم؛ به مولانا، به شمس و به حافظ زینت داده شده‌ایم؛ ما مردمان ایران هستیم؛ ایرانِ شاعرپرورِ پرشعر که بهانه‌ی نوشتن را از برگ خشک افتاده‌ی درختی تا جوی آبی خشک پیدا می‌کند. در این لحظه، ما نیز بزرگداشت شاعران، نویسندگان و نامداران ایرانی همچون: شمس تبریزی، مولانا و حافظ را ارج می‌نهیم و مهرماه را به سبب حضور نامی از ایشان دل‌انگیزتر به یاد می‌آوریم.

اینک که به واپسین بداهه‌پردازی مقدمه محورمان رسیده‌ایم و هر آنچه کلمات برای خوشامدگویی مورد استفاده است، به کار برده‌ایم، بهتر است کمی از قالب جمله و کلمات بیرون بیاییم. از حال و احوال خودتان برایمان بگویید. دفعه‌ی بعد که شما برای مامی نویسید، از حس و حالتان بگویید؛ برای ما بگویید که چگونه از فصل‌ها استقبال می‌کنید؟ گوشه‌ی لباس‌تان لبه‌ی پنجره‌ی کدام ماه گیر کرده است؟ آیا تا به حال در فصل‌ها چیزی جا گذاشته‌اید؟...

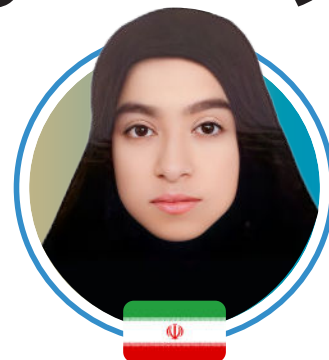
همان طور که به پاسخ این سؤال‌ها فکر می‌کنید، شما را به خواندن ادامه‌ی این نشریه در پاییزِ برگ ریزِ هزار رنگ دعوت می‌کنیم؛ با ما همراه باشید.





بوشهر مرورید خلیج فارس

ایران شناسی



کیمیایر دهقان

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق

اهل ایران



بوشهر، شهری که با نسیم شورانگیز خلیج فارس در هم آمیخته است، نه تنها یک بندر تجاری مهم، بلکه گنجینه‌ای از تاریخ، فرهنگ و زیبایی‌های طبیعی است. این شهر که بر کرانه‌ی خلیج همیشه فارس آرمیده، با پیشینه‌ای کهن و مردمی دلیر و مهمان‌نواز، روایتی شنیدنی از تلاقی تمدن‌ها و گره‌خوردگی سرنوشت انسان با دریا را به نمایش می‌گذارد. از کوچه‌های آفتاب‌خورده‌ی بافت تاریخی‌اش گرفته تا سواحل نیلگونش، بوشهر، مرورید درخشان خلیج فارس، همواره مسافران و پژوهشگران را به کشف و تماشای خود فرا می‌خواند.

بوشهر، گنجینه‌ای از جاذبه‌های گردشگری است که روح هر بیننده‌ای را با خود به سوی دریا و تاریخ می‌کشاند. از سواحل آرامش‌بخش تا عمارت‌های باشکوه تاریخی و موزه‌های پربرار، این شهر در هر گوشه‌ای حرفی برای گفتن دارد.

سواحل دل نشین

ساحل لیله: یکی از زیباترین و معروف‌ترین سواحل بوشهر، ساحل لیله است. این ساحل که در نزدیکی شهر قرار گرفته، با شن‌های نرم و طلایی، آب زلال و آرامش‌بخش خلیج فارس، مکانی ایده‌آل برای تفریح و استراحت است. غروب آفتاب در لیله، منظره‌ای مسحورکننده و فراموش‌نشدنی را خلق می‌کند. امکانات تفریحی مناسبی در این ساحل برای گردشگران فراهم شده است.

ساحل عامری: ساحل عامری نیز از دیگر سواحل زیبا و پرطرفدار بوشهر است که به دلیل داشتن امکانات مناسب و فضای دلنشین، مورد توجه خانواده‌ها و گردشگران قرار می‌گیرد.

ساحل دلوار: این ساحل که به نام قهرمان ملی، رئیسعلی دلواری، مزین شده است، علاوه بر زیبایی طبیعی، یادآور رشادت‌های مبارزان جنوب در برابر استعمارگران است.





ایران‌شناسی، بوشهر مرورید خلیج فارس

جزایر اطراف: بوشهر علاوه بر سواحل رویایی خود، دسترسی به جزایر کوچک و بزرگی را نیز فراهم می‌کند که هر کدام زیبایی‌های منحصر به فرد خود را دارند. جزیره‌ی خارک، جزیره‌ی نخیلو (با تالاب فصلی پرندگان مهاجر)، جزیره‌ی شیخ شعیب و جزیره‌ی عباسک از جمله این جزایر هستند که تجربه‌ی گشت و گذار در آن‌ها، به ویژه برای علاقه‌مندان به طبیعت و پرندنگری، بسیار لذت‌بخش است.

بافت تاریخی بوشهر

بافت تاریخی بوشهر، مجموعه‌ای ارزشمند از کوچه پس کوچه‌های سنگفرش شده، خانه‌هایی با بادگیرهای منحصر به فرد و معماری‌ای که از دل گرما و رطوبت خلیج فارس برآمده است. قدم زدن در این کوچه‌ها، تجربه‌ای نوستالژیک و دلنشین به همراه دارد. خانه‌هایی با معماری خاص جنوب، با ایوان‌های ستون‌دار، پنجره‌های ارسی، حیاط‌های مرکزی و بادگیرهایی که نفس خنک را به داخل خانه هدایت می‌کنند، جلوه‌ای ویژه به این بافت تاریخی بخشیده‌اند.





ایران‌شناسی، بوشهر مرورید خلیج فارس

فرهنگ و آداب و رسوم مردم بوشهر
مردم بوشهر، مردمی صمیمی، مهربان و مهمان‌نواز
هستند که فرهنگ غنی خود را با ریشه‌های عمیق در
تاریخ و دریا درآمیخته‌اند.

گویش و زبان: مردم بوشهر به لهجه‌ی بوشهری
سخن می‌گویند که بخشی از گویش‌های جنوبی زبان
فارسی است. این گویش شیرین و دلنشین، با واژگان
و اصطلاحات خاص خود، گویای تاثیر دریا، تجارت و
ارتباط با فرهنگ‌های مختلف است.

پوشاک محلی: پوشاک سنتی مردان بوشهری شامل
«لنگ» (نوعی دامن یا شلوار گشاد) و «بشت» (پیراهن
گشاد) است. زنان نیز از لباس‌های رنگارنگ و شاد،
معمولاً با روسری‌های بزرگ و دستمال‌های رنگی استفاده
می‌کنند. تزئینات و دست‌دوزی‌های روی لباس‌های
محلی، نشان از ذوق و هنر زنان بوشهری دارد.





موسیقی و رقص‌های محلی

موسیقی بوشهری، از شور و هیجان خاصی برخوردار است که اغلب با سازهایی مانند «عود»، «نی‌انبان» (ساز بادی سنتی) و «دف» اجرا می‌شود.

رقص‌های محلی مانند «یَلک» (رقص بندری) و «جُفتی» (رقص با چوب) که اغلب در مراسم شاد و جشن‌ها اجرا می‌شوند، بخشی از هویت فرهنگی این دیار هستند.

صنایع دستی

حصیربافی: با استفاده از برگ درخت خرما، حصیرهای زیبا و کاربردی تولید می‌شود.

گرگوربافی: گرگور، ابزار صید ماهی است که توسط صیادان محلی بافته می‌شود.

بادله‌دوزی: نوعی سوزن‌دوزی ظریف و زیبا که بر روی لباس‌ها و پارچه‌ها انجام می‌شود.

صدف‌کاری: استفاده از صدف‌های دریایی برای تزئینات و ساخت آثار هنری.



غذاهای محلی بوشهر: طعم دل‌انگیز دریا

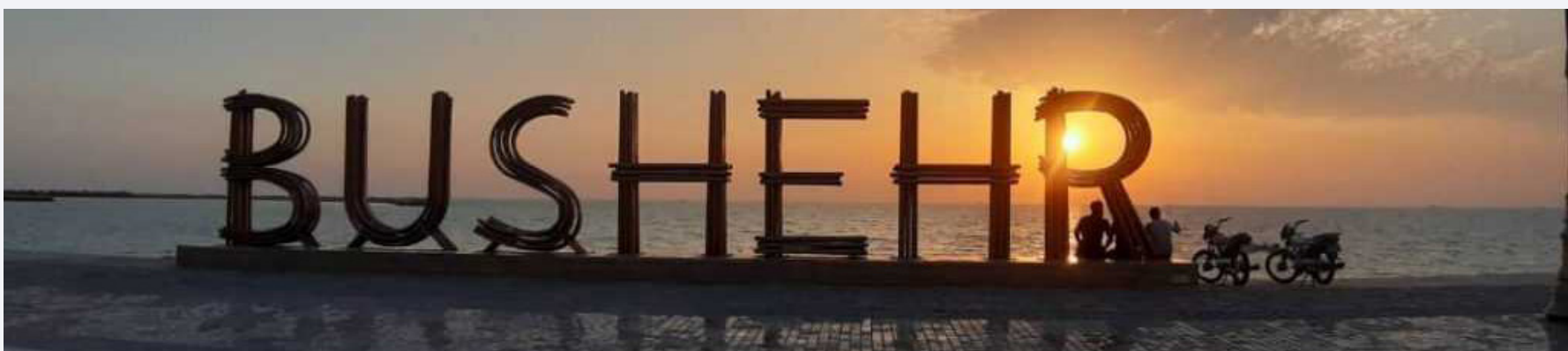
آشپزی بوشهری، بازتابی از نزدیکی به دریا و دسترسی به صید روز است. غذاهای دریایی، بخش عمده‌ای از سفره‌ی بوشهری‌ها را تشکیل می‌دهند و طعم و عطر بی‌نظیری دارند.

غذاهای محلی بوشهر به دو دسته دریایی و غیردریایی تقسیم می‌شوند. غذاهای دریایی شامل قلیه ماهی (غذای معروف جنوب با ماهی، سبزیجات معطر و تمر هندی)، میگو پلو (میگوی تازه با برنج و ادویه)، ماهی کبابی (ماهی‌های تازه طعم‌دار شده)، ماهی صبور و همسه میگو (خوراک میگو تند) هستند.

غذاهای غیردریایی نیز شامل مطبخ (پلو مخلوط با گوشت و سبزیجات)، شیرینی‌های سنتی مانند گمبید و لگیمات، شله ماش (ترکیب ماش و برنج) و رنگینک (دسر خرمایی) می‌باشند.

موقعیت جغرافیایی

بوشهر، مرکز استان بوشهر، در مختصات جغرافیایی تقریبی ۲۸ درجه و ۵۰ دقیقه



شمالی و ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه شرقی واقع شده است. این شهر در بخش مرکزی استان، بر روی شبه جزیره‌ای در مجاورت خلیج فارس قرار دارد. دسترسی به دریا، موقعیت ساحلی و نزدیکی به جزایر مهم خلیج فارس، از ویژگی‌های برجسته‌ی موقعیت جغرافیایی بوشهر است.

بوشهر از نظر اقتصادی و راهبردی اهمیت بالایی دارد. اقتصاد آن بر پایه موارد زیر است: **بندر تجاری:** نقش حیاتی در واردات و صادرات کالا، به‌ویژه مواد غذایی، مصالح و محصولات صنعتی، و همچنین بازار ماهی و میگو دارد.

صنایع نفت و گاز: با وجود میدان گازی پارس جنوبی، قطب اصلی این صنعت در ایران است که در تامین انرژی کشور و صادرات نقش دارد. **صنایع دریایی:** شامل لنج‌سازی، تعمیر کشتی و صیادی که به دلیل موقعیت ساحلی رونق دارد. **گردشگری:** دارای پتانسیل بالا به دلیل جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و غذاهای محلی.

کشاورزی: تولید خرما، مرکبات و محصولات صیفی در بخش‌های مرکزی و شمالی استان. صنایع دستی: مانند حصیربافی و گرگوربافی که منبع درآمدی محسوب می‌شوند.



ایران‌شناسی، بوشهر مروارید خلیج فارس

دیار، گنجینه‌ای است که هنوز هم برای کشف شدن، راه‌های بسیاری دارد.



بوشهر، شهری است که از دل تاریخ و دریا برخاسته است. شهری که هر گوشه‌اش با قصه‌ای عجیب شده و هر نسیمش، عطر خاطره‌ای را با خود می‌آورد. این شهر، نه تنها یک نقطه جغرافیایی، بلکه پنجره‌ای است رو به سوی فرهنگ غنی، مردمانی دوست‌داشتنی و تاریخی پرافتخار. بوشهر، مروارید خلیج فارس، با زیبایی‌های بی‌بدیش، منتظر است تا از نزدیک، داستان دل‌انگیز خود را برای هر بازدیدکننده‌ای بازگو کند. از قدم زدن در کوچه‌های بافت تاریخی‌اش گرفته تا لذت بردن از طعم دل‌چسب غذاهای دریایی‌اش، تجربه‌ی سفر به بوشهر، تجربه‌ای است که در ذهن و جان هر مسافری حک می‌شود. این



دلینوشتہ



سبتین جعفری

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل پاکستان

Echo Of knowledge

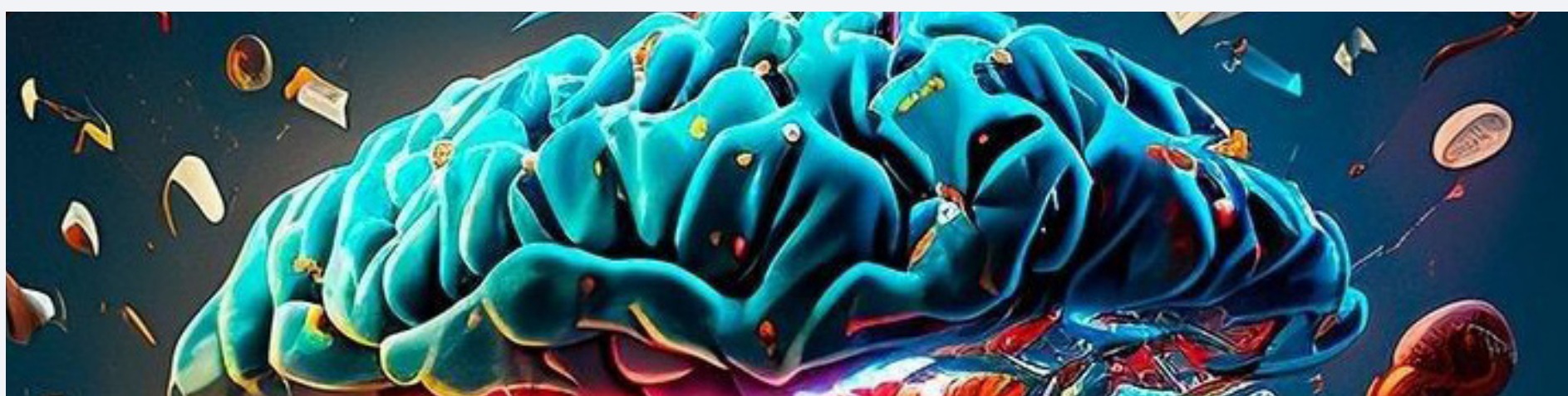
To everyone navigating these corridors of learning, There's a unique rhythm to student life, isn't there? It's a blend of the predictable and the profoundly unexpected. We arrive with Intentions, with syllabi and expectations, but the true education often unfolds in the

spaces between the lectures. It's in the hurried hallway conversations that clarify a complex theory, the shared pizza over a group project that forges unexpected bonds, or the solitary walk across campus at dusk that allows thoughts to settle. This period is a crucible. We're not just

absorbing information; we're forging ourselves. We learn to wrestle with ambiguity, to find our voice in a sea of opinions, and to stand firm in our convictions after diligent exploration. There will be moments of exhilarating clarity, where a concept illuminates itself, and equally, moments of daunting



confusion, where the path forward seems obscured. Both are vital. The struggle is where resilience is built, where the muscle of intellectual and personal fortitude is strengthened. It's in these challenges that we often discover capabilities we never knew we possessed. Consider the sheer diversity of minds gathered here. Each person carries a unique history, a distinct perspective, a different constellation of dreams and anxieties. This is our



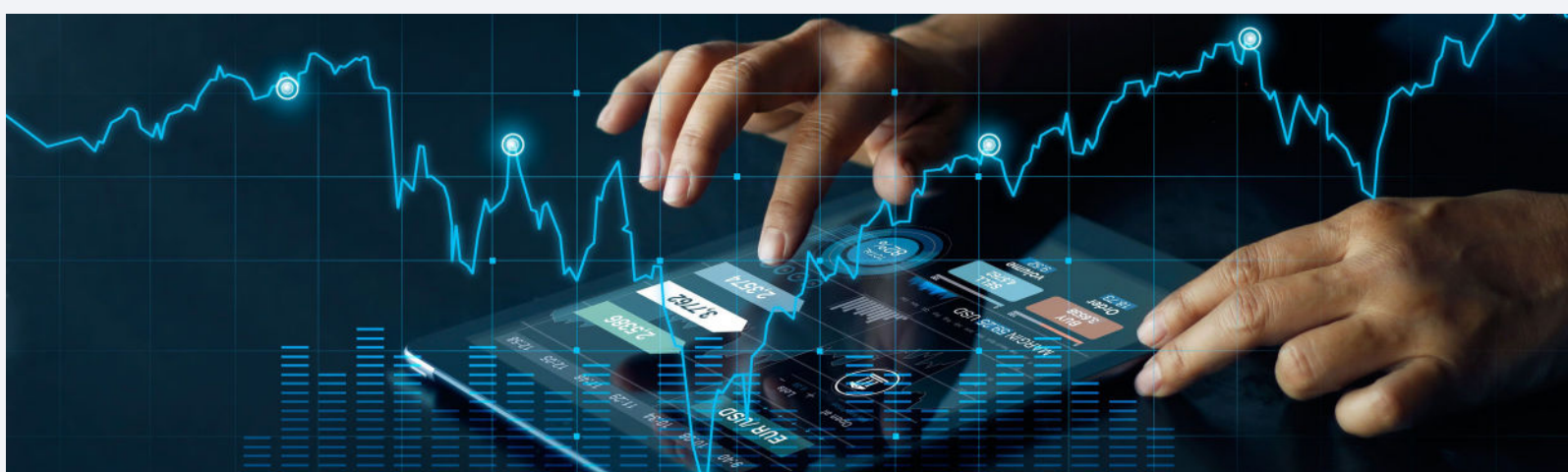
community – a microcosm of the world, offering an unparalleled opportunity to learn not just from each other, but about each other. How easy it is to become absorbed in our own trajectory,

to see others as mere fellow travelers on parallel paths. But the magic truly happens when we pause, when we bridge the distance with a question, a shared glance of understanding, or an offer of genuine

support. These acts of connection, seemingly small, are the bedrock of a supportive and enriching environment. They remind us that while our individual journeys are paramount, we are not walking them

alone.

And let's talk about the art of paying attention. In a world clamoring for our focus, the deliberate act of presence – truly listening to a professor, engaging fully in a discussion, or simply

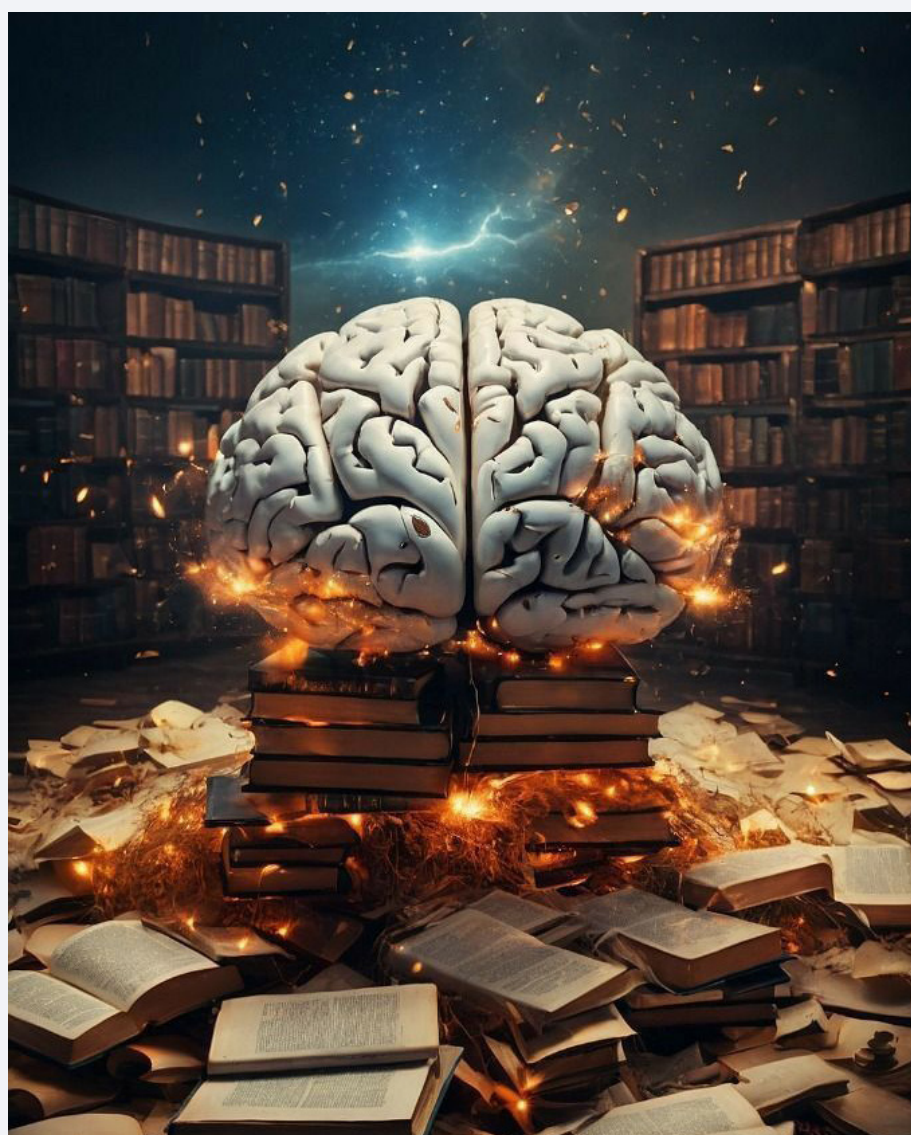


noticing the changing seasons on campus – is a radical act. It's in these moments of mindfulness that we harvest the subtler lessons: the nuances of human interaction, the beauty in the mundane, the quiet inspiration that can strike anywhere. It's also in these moments that we can begin to understand our own internal compass, recognizing what truly ignites our passion and what drains our

energy. The future, of course, looms large. It's a landscape we're actively shaping with every assignment completed, every skill honed, every connection made. The anxieties about what comes next are real, but they need not overshadow the potent possibility of now. What we cultivate here – our intellect, our empathy, our tenacity – are the tools we will carry forward. Let this time be not just about



preparing for a future life, but about actively living and learning in the present, building a foundation of wisdom and character that will serve us, and hopefully the world, for years to come.





مصاحبه



محمد شریف حکیمی

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل افغانستان



جناب آقای دکتر محمد انصاری

معاون دپارتمان زبان فارسی

لطفا خلاصه‌ای از زندگینامه فردی و علمی خود برای خوانندگان نشریه رستاک اندیشه بیان کنید:

بسم الله الرحمن الرحيم

من، محمد انصاری، متولد سال ۱۳۵۳ در استان گیلان هستم. به دلیل علاقه‌ی فراوان به مباحث دینی و حوزوی، در سال ۱۳۷۵ وارد حوزه‌ی علمیه شدم و تحصیلات خود را تا مقطع درس خارج ادامه دادم. پس از آن وارد دانشگاه شدم و در رشته‌های مختلف تحصیل کردم: کارشناسی مدیریت،



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی و در نهایت موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی شیعه‌شناسی شدم. از همان سال‌های کودکی، فضای خانوادگی ما سرشار از مباحث سیاسی، اعتقادی و انقلابی بود. انقلاب اسلامی و شور پیروزی آن به‌طور عمیقی در خانواده و محیط ما جریان داشت. پس از پیروزی انقلاب، با آغاز جنگ تحمیلی و وجود امام و شهدا، ارزش‌های دینی و انقلابی بیش از پیش در زندگی مردم ایران نهادینه شد. در آن دوران، ورود به عرصه‌های اعتقادی، سیاسی و نظامی برای جوانان به‌صورت طبیعی و اجتناب‌ناپذیر مطرح بود و ما نیز آماده‌ی دفاع از نظام اسلامی و کیان کشور بودیم. با پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی، تلاش کردیم تا با حضور فعال در کانون‌ها و پایگاه‌های فرهنگی، مسیر خدمت در حوزه‌های دینی و فکری را ادامه دهیم. هدف ما تقویت اعتقادات مردم، اصلاح اذهان عمومی

و ترویج ارزش‌های دینی و مذهبی بود. در همین راستا، بنده سال‌ها در پایگاه‌ها و مساجد مختلف شهر خود فعالیت‌های گسترده فرهنگی و آموزشی انجام داده‌ام و همواره کوشیده‌ام سهم هرچند کوچکی در این مسیر بزرگ و الهی داشته باشم.

ب: بایسته‌های کار فرهنگی از نظر شما چیست؟

از دیدگاه من، بایسته فرهنگی یعنی آن بنیان ارزشی و اعتقادی که شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و رسوم است؛ مفاهیمی که ابتدا در حوزه نظری شکل می‌گیرند، اما در صورت تحقق، به عرصه عمل و ظهور اجتماعی می‌رسند. این فرایند، زمانی ثمربخش است که ارزش‌ها و باورهای یادشده در بافت جامعه و در وجود تک‌تک افراد نهادینه شود. از این رو می‌توان گفت که فرهنگ، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین رکن هر جامعه است. به باور من، بزرگ‌ترین دغدغه هر جامعه باید



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

دغدغه فرهنگی و دیدگاه‌های فرهنگی آن باشد. اگر جامعه‌ای در پی تمدن و پیشرفت است، باید فرهنگ خود را تعالی بخشد؛ زیرا فرهنگ، زیربنای اعتقادات و مسیر اصلی تقویت باورها به شمار می‌آید. فرهنگ، شالوده‌ای است که بر آن، اندیشه‌ها و تمدن‌ها بنا می‌گردند. فرهنگ در آغاز صورتی نظری دارد و در اندیشه و ذهن مردم جای می‌گیرد؛ اما آنگاه که وارد میدان عمل شود، می‌تواند چهره جامعه را دگرگون کند. اگر بتوانیم فرهنگ یک ملت را به‌درستی بسازیم، در حقیقت خود آن ملت را ساخته‌ایم. البته دگرگونی فرهنگی کار آسانی نیست. پژوهشگران و اندیشمندان حوزه فرهنگ معتقدند که تغییر واقعی فرهنگ یک جامعه، معمولاً به یک دهه زمان نیاز دارد تا در افکار عمومی رسوخ کند؛ برای نمونه، فرهنگ حجاب و عفاف که بر

پایه نگاهی دینی و ارزش‌مدار است، سال‌ها در ذهن و باور مردم ایران ریشه داشت؛ حتی در دوره رضاخان، با وجود اجبار و فشار حکومت برای کنار گذاشتن چادر، این فرهنگ از میان نرفت؛ چون مردم آن را باور کرده بودند. بنابراین، اگر روزی نیز قرار باشد فرهنگ حجاب یا هر فرهنگ دیگری تغییر یابد، این امر نیازمند تلاش گسترده و مستمر فرهنگی، دست‌کم در طول یک دهه است تا در ذهن جامعه جایگزین گردد. فرهنگ، چیزی نهادینه‌شده و عمیق در میان مردم است و به‌سادگی دگرگون نمی‌شود؛ از همین‌رو ما باید بکوشیم نگاه فرهنگی جامعه را به سوی ارزش‌های دینی و اسلامی هدایت کنیم؛ زیرا نگاه دینی، عمیق‌ترین و والاترین نوع نگاه فرهنگی است و تنها از این مسیر است که انسان می‌تواند به کمال انسانی دست یابد و



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

مصادق «اشرف مخلوقات» گردد. اگر انسان از این مسیر منحرف شود، ممکن است به مرتبه‌ای فروتر از حیوان سقوط کند؛ اما با پایبندی به ارزش‌های دینی و فرهنگی می‌تواند از فرشتگان نیز برتر شود. این تعالی به دست فرهنگ و ارزش‌های برخاسته از دین تحقق می‌یابد. فرهنگ، بستر حرکت انسان است؛ اما زمانی ثمر می‌دهد که نظر و عمل در کنار یکدیگر قرار گیرند. تنها در این صورت است که انسان و اجتماع به سوی فرهنگی والا و الهی نزدیک می‌شوند و مسیر رشد معنوی و تمدنی را طی خواهند کرد.

ج: از دیدگاه شما افق دانشگاه در حیطه فرهنگی چیست و با توجه به چندگانگی فرهنگی موجود در دانشگاه، چه راهکارهایی را برای تقریب فرهنگ‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

در خصوص کار فرهنگی در دانشگاه، آنچه بر

اساس ابلاغ‌های وزارت علوم به دانشگاه‌ها و معاونت‌های فرهنگی توصیه و تأکید شده، در یک جمله خلاصه می‌شود: «پاسداشت ارزش‌های ملی و مذهبی جامعه». به این معنا که هر دانشگاه یا مجموعه علمی باید با روش‌های گوناگون، ارزش‌های ملی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران را تبیین، تقویت و در صورت نیاز، از آن‌ها دفاع کند. اگر این رویکرد را به‌عنوان تابلو و خط مشی اصلی فعالیت‌های فرهنگی قرار دهیم، مسیر فعالیت روشن می‌شود. پاسداشت ارزش‌های ملی و مذهبی ممکن است از طریق برنامه‌های متنوعی انجام گیرد: گاهی به‌واسطه مشارکت دانشجویان، گاهی با دعوت از کارشناسان و اساتید، گاهی از طریق برگزاری مراسم مناسبتی، اجرای کلیپ‌ها، نشست‌های علمی، یا حتی برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری.



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

هر فعالیتی که به توسعه و تقویت ارزش‌های ملی و مذهبی منجر شود، در واقع، نوعی کار فرهنگی به‌شمار می‌آید. البته این نگاه، بیشتر ناظر به بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های رسمی وزارت علوم است؛ اما در سطحی بالاتر، هدف از کار فرهنگی در دانشگاه، تنها اجرای برنامه نیست؛ بلکه دستیابی به تأثیرگذاری واقعی بر دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی است. برای نمونه، اگر قصد داریم یک روز ملی یا مذهبی مانند ولادت امام حسین(ع) را گرامی بداریم، شیوه برگزاری، اهمیت دارد. ممکن است این کار از طریق یک مراسم بزرگ، سخنرانی، شعرخوانی، سرود، پخش کلیپ، دعوت از مداح یا اجرای مسابقات فرهنگی انجام شود، و ممکن است در قالب نشست‌های علمی، جلسات کتابخوانی یا فعالیت‌های معرفتی برگزار گردد. در هر

شکل، هدف نهایی باید این باشد که مخاطب، یعنی دانشجوی یا کارمند، با اندیشه، رفتار و اخلاق امام حسین(ع) بیشتر آشنا شود. اگر این آشنایی و تأثیر محقق گردد، می‌توان گفت کار فرهنگی به درستی انجام شده است. همین رویکرد باید در دیگر مناسبت‌های ملی و مذهبی نیز مورد توجه قرار گیرد. گاهی ممکن است گروهی از دانشجویان یا کارمندان یا اساتید، مسئولیت بخشی از آن را بر عهده بگیرند. موفقیت این فعالیت‌ها زمانی معنا پیدا می‌کند که آثار آن در رفتار و نگرش جامعه دانشگاهی قابل مشاهده باشد؛ به عنوان مثال، اگر در زمینه موضوع «حجاب» نشست یا همایشی برگزار می‌کنیم، باید انتظار داشته باشیم که در بلندمدت تأثیر عملی آن در میان دانشجویان دیده شود. هرچند ممکن است تحقق این هدف



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

در کوتاه مدت دشوار باشد، اما حتی آگاهی بخشی و بازتاب درست مفاهیم فرهنگی نیز ارزشمند است. با این حال، نهایت کار فرهنگی، ایجاد اثر مثبت و پایدار در رفتار و نگرش مخاطبان است؛ برای نمونه، برگزاری جلسات قرآن یا تأسیس کانون‌های قرآنی گام‌های ارزشمندی هستند، اما این تلاش‌ها زمانی به ثمر می‌رسند که مفاهیم قرآن در زندگی دانشجویان و کارکنان اثر بگذارد، آنان را متحول کند و روح ایمان و اخلاق را در میانشان تقویت نماید. کار فرهنگی در دانشگاه همانند تزریق آرام ارزش‌ها در پیکره جامعه است؛ تداومی تدریجی، اما عمیق و ماندگار. این فرایند باید هم در حوزه نظر و هم در عرصه عمل اتفاق بیفتد تا به ثمر بنشیند. پیامبر اسلام (ص) نیز این حقیقت را بیان فرموده‌اند: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»؛ یعنی مردم را با غیر از زبان، با

رفتار و عمل خود به دین دعوت کنید. بدین معنا که تحقق کار فرهنگی فقط در تبیین گفتاری نیست، بلکه در رفتار، صداقت و عمل کارکنان فرهنگی نمود پیدا می‌کند؛ برای نمونه، اگر مسئول فرهنگی دانشگاه وعده دهد که اردویی برای دانشجویان برگزار خواهد شد، اما به آن وعده عمل نکند، در واقع یک اقدام ضد فرهنگی انجام داده است؛ حتی اگر دلایل موجهی برای لغو برنامه وجود داشته باشد، اثر منفی آن در ذهن دانشجویان باقی می‌ماند؛ زیرا در باور دینی ما آمده است که مؤمن کسی است که وعده می‌دهد و به وعده‌اش عمل می‌کند. بنابراین اصلی‌ترین پیام در کار فرهنگی این است که باید مردم را نه تنها با گفتار، بلکه با کردار و رفتار به حقیقت و ارزش‌ها دعوت کنیم؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) با اخلاق، صبر و رفتار نیک خود، مردم را جذب کردند، ما نیز



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

د: مؤلفه‌های دانشگاه بین‌المللی از نظر شما

چیست؟

کار فرهنگی در محیط دانشگاهی، در هر شرایطی امری ظریف و پرچالش است؛ اما در دانشگاه‌های بین‌المللی و چندملیتی این دشواری دوجندان می‌شود. در چنین فضایی ما با مجموعه‌ای از دانشجویان روبه‌رو هستیم که از اقوام، ملیت‌ها، ادیان و مذاهب گوناگون گرد هم آمده‌اند. بدیهی است در چنین محیطی، اجرای فعالیت‌های فرهنگی باید با دقت، ظرافت و درک عمیق از تنوع فکری و اعتقادی مخاطبان همراه باشد. در دانشگاه‌های معمولی، اگرچه تنوع مذهبی یا فرهنگی وجود دارد، اما اغلب در چارچوب ملی و مذهبی واحد شکل گرفته است. در مقابل، در دانشگاهی مانند ما، دانشجویانی

باید با منش و عمل خود فرهنگ دینی را گسترش دهیم. پیامبر هنگامی که با بی‌احترامی مواجه می‌شد، با صبوری و گذشت پاسخ می‌داد و همین خلق نیک او، سبب هدایت بسیاری شد. آن فردی که هر روز به پیامبر جسارت می‌کرد، وقتی بیمار شد و پیامبر به عیادت او رفت، تحت تأثیر این عمل انسانی قرار گرفت و ایمان آورد. این همان فرهنگ پیامبر است؛ فرهنگی که بر پایهٔ محبت، عمل و اخلاق بنا شده است، نه صرفاً بر سخن گفتن و تعلیم ظاهری. بنابراین، ما نیز در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه باید چنین رویکردی داشته باشیم: ترویج ارزش‌ها نه فقط از راه زبان، بلکه از طریق رفتار و باور عملی. تنها در این صورت است که فرهنگ اصیل اسلامی می‌تواند اثرگذار، ماندگار و تحول‌آفرین باشد.



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

حضور دارند که از کشورهای متعدد، با پیشینه‌های فکری، دینی و فرهنگی متفاوت آمده‌اند. این واقعیت موجب می‌شود که هرگونه اقدام فرهنگی یا تربیتی نیازمند درک متقابل و مدیریت دقیق پیام‌ها و شیوه‌های انتقال باشد. در تجربه شخصی‌ام در کلاس‌های درس، کاملاً احساس کرده‌ام که کوچک‌ترین موضع غیرمتعادل یا تعبیر افراطی نسبت به یک مذهب ممکن است سبب رنجش یا دلخوری گروهی از دانشجویان شود. بنابراین، مسئول فرهنگی یا مدرس در چنین فضایی باید بسیار سنجیده سخن بگوید و تلاش کند تا با عمل و رفتار خود، نه صرفاً با بیان و شعار، الگوی فرهنگی و اخلاقی درستی ارائه دهد. به باور من، شعارگرایی در چنین محیطی کارساز نیست. باید عمل‌گرایی و رفتار اخلاقی را جایگزین شعار کرد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره

شد، رفتار درست و صادقانه بیش از هر سخن و تبلیغی اثرگذار است. اگر ما با پایبندی به اصول انسانی، صداقت، احترام متقابل و خیرخواهی عمل کنیم، می‌توانیم آرام‌آرام ذهن‌ها را به تفکر و دل‌ها را به حقیقت نزدیک نماییم. در این مسیر، بهره‌گیری از مبانی دینی، اسلامی و شیعی امری ضروری است؛ اما نحوه تبیین آن باید متناسب با فضای چندفرهنگی و مخاطبان متنوع دانشگاه باشد. باید مفاهیم دینی را با زبان عقل، منطق و تجربه انسانی بیان کرد تا برای همه قابل درک و پذیرش باشد. این روند ایجاب می‌کند که برای هر گروه فرهنگی یا اعتقادی، بسته‌های فرهنگی متناسب طراحی شود. بسته‌هایی که متناسب با پیش‌زمینه، سطح معلومات و دغدغه‌های فکری آن‌ها تدوین گردد؛ به عنوان نمونه



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

می توان حلقه های معرفتی و گفت و گوی بین ادیانی تشکیل داد؛ حلقه هایی که در آن دانشجویان بتوانند آزادانه پرسش های خود را مطرح کنند و در فضای سالم فکری، پاسخ دقیق و درخور دریافت نمایند. از نظر من، باید در دانشجویان دغدغه و پرسشگری معنوی ایجاد کنیم. این کار نه از طریق تحمیل ایدئولوژیک، بلکه با ایجاد پرسش های بنیادین درباره ی هستی، انسان و معنا امکان پذیر است. پرسش هایی از این دست که: انسان از کجا آمده است؟ به کجا می رود؟ هدف از آفرینش او چیست؟ خدا کیست و چه جایگاهی در زندگی دارد؟ آیا پیامبران واسطه ارتباط انسان و خدا هستند؟ چرا باید متدین بود؟ جایگاه نبوت، امامت و معاد در زندگی انسان چیست؟ این پرسش ها به طور طبیعی در ذهن هر انسان اندیشمند وجود دارد. اگر ما بتوانیم فضای بیان این

دغدغه ها را فراهم کنیم و پاسخ های منطقی، الهی و عالمانه ارائه دهیم، در حقیقت کار فرهنگی واقعی را در دانشگاه انجام داده ایم. باید بپذیریم که بسیاری از دانشجویان، به ویژه در فضا های علمی و بین المللی، جویندگان حقیقت هستند. ذهنشان آماده اندیشیدن است، نه پذیرش کورکورانه. بنابراین، اگر بتوانیم آنان را در مسیر جست و جوی حقیقت همراهی کنیم و پاسخ های درست و روشنی در اختیارشان بگذاریم، رسالت فرهنگی خود را به نیکویی انجام داده ایم. به باور من، خداوند همه انسان ها را برای رسیدن به مسیر سعادت آفریده است و آن مسیر جز از طریق دین خدا، یعنی اسلام، میسر نیست. اما رساندن این پیام متعالی، نیازمند زبان محبت، عقلانیت و گفت و گو است. در دانشگاه ما، فرصت ارزشمندی فراهم شده تا دانشجویانی از ادیان



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

ه: به نظر شما مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها چه تفاوت‌هایی دارد؟

تبدیل شدن یک دانشگاه به «بین‌المللی» صرفاً در گرو جذب دانشجویان خارجی نیست؛ بلکه باید در تمام ساختارها، تفکر، رفتار و عملکرد دانشگاه، رویکردی جهان شمول حاکم شود. این رویکرد جهانی باید از رأس تا قاعده سازمان به وضوح قابل مشاهده و تجربه باشد.

انسان محوری و عدالت بنیادی:

ویژگی اصلی یک دانشگاه بین‌المللی، نگاه یکسان و انسان محور به همه دانشجویان است. دانشجویان، صرف نظر از رنگ پوست، ملیت، قومیت یا سطح اعتقادات فکری و مذهبی، همگی در وهله نخست انسان هستند. این اصل، حکم می‌کند که وظیفه

ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، در کنار هم و در فضای علمی، درباره‌ی حقیقت بیندیشند. وظیفه ما در معاونت فرهنگی این است که این اندیشه را جهت دهیم و آن را از طریق تفکر، پرسش و گفت‌وگو به مسیر درست هدایت کنیم. بنابراین، در کنار آموزش‌های علمی و آکادمیک، لازم است نشست‌های معرفتی، پرسش و پاسخ‌های آزاد و مباحث گفت‌وگوی دینی و فلسفی برگزار شود. ما نباید مستقیماً کار ایدئولوژیک انجام دهیم، بلکه باید اندیشه‌برانگیز و انگیزه‌آفرین باشیم. اگر بتوانیم ذهن دانشجویان را با پرسش‌های بنیادین درگیر کنیم و سپس پاسخی منطقی و الهی برایشان فراهم نماییم، در حقیقت بهترین نوع کار فرهنگی را انجام داده‌ایم؛ یعنی کاری ترکیب‌شده از عقل، دین، و رفتار نیک انسانی.



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

ما یاری رساندن به همه انسان‌ها باشد، چه از منظر علمی و چه در امور اجرایی. ما باید تمامی دانشجویان را «ید واحده» ببینیم و دغدغه یک دانشجوی باید به دغدغه کل پیکره دانشگاه تبدیل شود، با الهام از اصل اخلاقی: «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند». اگر خدای ناکرده مشکلی برای هر یک از دانشجویان پیش آید، از بالاترین مقام مسئول تا پایین ترین کارمند باید دغدغه مند حل آن باشند. عدالت اجتماعی در همین تعریف می‌شود: «رفتار یکسان و بدون تبعیض با همه، فارغ از پیشینه فکری، قومی یا مذهبی». این رویکرد باید با همدلی شکل گیرد؛ باید خود را جای دانشجو بگذاریم که در کشوری غریب، به دنبال کسب علم است. انتظار ما از مسئولین آن کشور، یاری رساندن

و تسهیل امور است، به ویژه در شرایطی که ممکن است موانع زبانی و فرهنگی وجود داشته باشد.

تسلط بر تنوع فرهنگی و درک متقابل:

دومین رکن یک دانشگاه بین‌المللی، تسلط و درک عمیق بر فرهنگ‌های مختلف است؛ برای مثال، برای برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان افغانستانی، باید با فرهنگ، آداب و شیوه‌های رفتاری آنان در شرایط خاص آشنا باشیم. این دانش نسبت به فرهنگ دانشجویان آفریقایی یا دیگر ملیت‌ها ضروری است. وقتی دانشجو از دغدغه‌های خود سخن می‌گوید، ما باید قادر به درک ریشه‌های فرهنگی آن دغدغه‌ها باشیم. شناخت دقیق فرهنگ‌ها، ما را قادر می‌سازد تا با تناسب و احترام بیشتری با آنان برخورد کنیم.

تسهیل ارتباطات زبانی:

نکته راهبردی سوم، اهمیت زبان



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

مشترک است. اگر زبان مشترکی مانند زبان انگلیسی برای همه اعضای دانشگاه (اساتید، مسئولین، کارمندان) تعریف و بر آن مسلط شویم، دانشجوی دیگر احساس غربت نخواهد کرد. این امر به او اطمینان می دهد که می تواند به راحتی دغدغه های خود را منتقل سازد و در محیط دانشگاه احساس راحتی کند.

توجه به رفاه و بازیابی روحی (ریکاوری):

در نهایت، بعد رفاهی، ورزشی و تفریحی برای دانشجویان بین المللی حیاتی است. دانشجویان پس از خروج از محیط خوابگاه یا کلاس های فشرده، نیاز به مکانی برای تقویت روحیه، ریکاوری جسمی و روانی دارند. فراهم کردن شرایطی برای رشد همه جانبه، زمینه ساز موفقیت آنها در تحصیلات آکادمیک و رشد فکری خواهد بود. به بیان خلاصه، یک دانشگاه بین المللی، دانشگاهی

است که در آن عدالت، احترام انسان محور، درک فرهنگی متقابل و تسهیل ارتباطات، سنگ بنای اصلی مدیریت و تعاملات روزمره باشد.

برنامه های مخاطب پسند:

برنامه هایی که با درک فرهنگ و سلیقه دانشجویان (به ویژه دانشجویان بین المللی) طراحی شوند، استقبال بیشتری خواهند داشت؛ برخلاف جلسات صرفاً علمی یا سنگین که ممکن است جذابیت عمومی نداشته باشند.

نظرسنجی و اجرای برنامه های درخواستی:

استفاده از ابزارهای نظرسنجی برای کشف علایق دانشجویان و اجرای برنامه های مورد نظر آنها، عاملی مستقیم در افزایش مشارکت است، مشروط بر اینکه ضوابط دانشگاه اجازه دهد.

دانشجو محوری در اجرا:

بهترین راه برای افزایش مشارکت، این است که



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

خود دانشجویان (از طریق کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی) متولی برگزاری و اجرای برنامه‌ها باشند و معاونت فرهنگی صرفاً نقش هدایت، مدیریت و حمایت را ایفا کند.

و: عملکرد معاونت فرهنگی و دانشجویی را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با عنایت به پیگیری و عضویت در کانال معاونت فرهنگی و رصد فعالیت‌های دانشجویی، به‌ویژه برنامه‌هایی که در خوابگاه‌ها برگزار می‌شود، لازم دیدم پیشنهادی سازنده را ارائه‌دهم. تجربه نشان داده برنامه‌های موجود مطلوب‌اند، اما ظرفیت ارتقاء و تأثیرگذاری بیشتر نیز فراهم است. پیشنهاد این است که با استقرار روحانیون متعهد و توانمند در خوابگاه‌ها، زمینه‌ای برای گفت‌وگوی روبه‌رو و همراهی مستمر با

دانشجویان فراهم آوریم. این افراد باید علاوه بر اشراف علمی بر مباحث اعتقادی و فقهی، از برخوردی صمیمی، پرانرژی و دارای روابط عمومی بالا برخوردار باشند تا بتوانند با زبان نزدیک به دانشجوی، فضایی امن و دلگرم‌کننده برای طرح دغدغه‌ها و دریافت مشاوره ایجاد کنند. مزیت این رویکرد چهره‌به‌چهره چنین است: حضور مستقیم در محیط خوابگاهی، شنیدن بی‌واسطه مسائل و دغدغه‌ها، ارائه راهنمایی عملی و همراهی در حل مشکلات؛ این رویکرد، نتیجه‌ای مؤثرتر و پایدارتر در پی خواهد داشت. پیشنهاد می‌کنم شیوه‌نامه‌ای برای انتخاب، تقسیم‌شیف‌ت حضور، ارزیابی عملکرد و جمع‌آوری بازخورد دانشجویان تدوین شود تا کیفیت خدمات ارائه‌شده پیوسته بهبود یابد.



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار گروه

مصاحبه نشریه رستاک اندیشه گذاشتید،

در پایان اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

نکته‌ای که در پایان به ذهن می‌رسد، این است

که دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) باید به عنوان

یک پایگاه بزرگ برای انسان‌سازی شناخته شود.

اعتقاد راسخ من این است که این دانشگاه باید

این شعار را سرلوحه کار خود قرار دهد: «هر

دانشجویی که پس از ۲ یا ۴ سال از این دانشگاه

فارغ‌التحصیل می‌شود، باید تحولی اساسی در

«ابعاد فکری، رفتاری و اعتقادی یافته باشد

مأموریت اصلی ما، تحویل انسان به جامعه

بشریت است. اگر با این نگاه عمل کنیم،

می‌توانیم در ۲۰ سال آینده شاهد باشیم که

فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در کشورهای

خود به پست‌ها و مقام‌های بالای کشوری

دست می‌یابند. اگر بتوانیم در حال حاضر

تأثیر فرهنگی بسزایی بر آن‌ها بگذاریم،

می‌توانیم نویدبخش جامعه‌ای جهانی باشیم

که پر از انسان‌هایی با فرهنگ والا است.

این امر مستلزم کاشتن بذر در زمان حال و ساختن

گام به گام زیربناهاست؛ چرا که پس از بازگشت

دانشجویان به کشورهاشان، دسترسی ما به آن‌ها

به سادگی گذشته نخواهد بود. اکنون باید زمینه‌ها

را ایجاد کنیم و افکارشان را اصلاح نماییم.

وظیفه دینی ما ایجاب می‌کند که دست برادر

دینی خود را بگیریم. ما عمیقاً باور داریم که

درست‌ترین راه، مسیر شیعه امامی اثنی عشری

و مسیر حقیقت است. بنابراین، وظیفه ما دوگانه

است: نخست، کشف مسیر حقیقت و دوم، آموزش

مسیر حیات به دیگران. وظیفه ما آموزش است و

وظیفه دانشجوی یادگیری. اگرچه یادگیری نکردن



مصاحبه، جناب آقای دکتر محمد انصاری

یا یک Business Management صرفاً متخصص مطالعات زنان نیست؛ بلکه یک انسان است که مدیریت بازرگانی یا مهندسی عمران، تنها یکی از تخصص‌های او محسوب می‌شود. انسان‌سازی، کاری بسیار دشوار است، اما باید گام به گام به این سمت حرکت کنیم تا ان شاء الله موفقیت‌های بیشتری کسب نماییم. من کارهای معاونت فرهنگی را کم و بیش دنبال می‌کنم و ارزشمند می‌دانم. با توجه به بودجه و تعداد نیرو، کارهای خوبی انجام شده و از توان دانشجویان نیز بهره برده شده است. با این حال، به نظر من ما باید جایگاه بالاتری را برای این مأموریت در نظر بگیریم و با عزمی راسخ به آن سمت حرکت کنیم.

ضرر آن متوجه خود دانشجوی خواهد بود، اما ما موظفیم اثرگذار باشیم؛ چراکه نور حقیقت راه خود را در دل‌ها باز می‌کند. ما نمونه‌هایی مانند رانلی‌ها را داشته‌ایم که تنها با یک نگاه یا مطالعه قرآن، نور حقیقت در قلبشان تابید. چرا ما نتوانیم انسان‌هایی شبیه به رانلی‌ها یا کرزایی‌ها بسازیم؟ ما قطعاً می‌توانیم انسان‌هایی تأثیرگذار برای جامعه بشریت تربیت کنیم و این باید سرلوحه کار دانشگاه اهل بیت (ع) باشد؛ زیرا امکاناتی که در اختیار این دانشگاه است، این اجازه را به ما می‌دهد که انسان‌های هدفمند تحویل دهیم. انتظار من از معاونت محترم فرهنگی و مسئولین دانشگاه این است که دیدگاه ما را در نظر بگیرند. خروجی مطلوب ما یک مدیر



Nigeria's Festivals

فرهنگ و تمدن ملل



یاعو بلو

دانشجوی کارشناسی رشته معماری

اهل نیجریه

The celebrations and calendar events of every country are a complete mirror reflecting the cultural identity, rich history, and deep beliefs of that nation. These events are not only an opportunity to honor the past and pass down values to future generations but also play

significant role in strengthening social cohesion and showcasing cultural diversity. Meanwhile, Nigeria hosts a remarkable collection of traditional and modern ceremonies and festivities. These occasions, rooted in ethnic traditions, religious beliefs, and the

historical events of the land, encompass a wide spectrum ranging from ancient rites to contemporary national celebrations. Next, we will discuss some of the most prominent festivals and occasions in Nigeria.
1) Independence Day: Celebrated annually on October 1, it commemorates



-orates Nigeria's independence.

2) Christian Holidays: Celebrations like Christmas are observed by many.

3) Islamic Holidays: Festivals such as Eid are marked throughout the year.

4) Durbar Festival: Features colorful horsemen paying homage to the Emir in Northern Nigerian states like Katsina and Kano.

1. Nigeria's Independence

Day is indeed celebrated annually on October 1. This significant national holiday commemorates Nigeria's independence from British colonial rule, which was achieved in October 1, 1960.

Key Facts About Nigeria's Independence Day:

Date: October 1 annually

Significance: Marks Nigeria's independence from British rule in 1960.

Celebrations: Typically in



فرهنگ و تمدن ملل، جشن های نیجریه



clude parades, cultural events, and patriotic displays across the country.

It's a day of national pride for Nigerians, reflecting on the country's history and achievements.

The “Durbar Festival” is a vibrant and culturally rich event in Northern Nigeria, particularly in states like “Katsina” and “Kano” Niger State.

Key Aspects of the Durbar Festival:

Horsemanship: Colorful horsemen showcase impressive riding skills.

Homage to the Emir: Participants pay respects to traditional rulers (Emirs).

Cultural Display: Reflects traditions of Hausa/Fulani heritage.

Music and Pageantry: Includes traditional music and visual spectacle.

Significance

Cultural Pride: Highlights Northern Nigeria's rich traditions.

Tourism: Attracts visitors interested in Nigeria's cultural diversity.

Tradition: Connects to historical practices of Hausa kingdoms.





Islamic holidays are a significant part of Nigeria's cultural landscape, especially considering the country's substantial Muslim population. Two major Islamic festivals stand out "Eid al-Fitr" and "Eid al-Adha".

Key Islamic Holidays:

Eid al-Fitr: Celebrates the end of Ramadan, the holy month of fasting. It's a time of feasting, charity, and family gatherings.

Eid al-Adha: Known as the Festival of Sacrifice, commemorates Prophet Ibrahim's willingness to sacrifice his son. It involves animal sacrifices and charitable acts.



فرهنگ و تمدن ملل، جشن های نیجریه

Significance in Nigeria

Cultural Importance: These festivals are widely observed in Nigeria's Muslim communities.

Community Gatherings: Eid celebrations often involve prayers, food sharing, and social visits.

Charitable Aspects: Emphasis on giving to those in need is a key part of these celebrations.

Dates Can Vary Islamic holidays follow the lunar Islamic calendar, so dates on the Gregorian calendar change annually.

These festivals showcase the rich and complex Nigerian identity, inspiring admiration from all.

معرفی افراد برجسته



اسماعیل ماهازاکا

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل ماداگاسکار

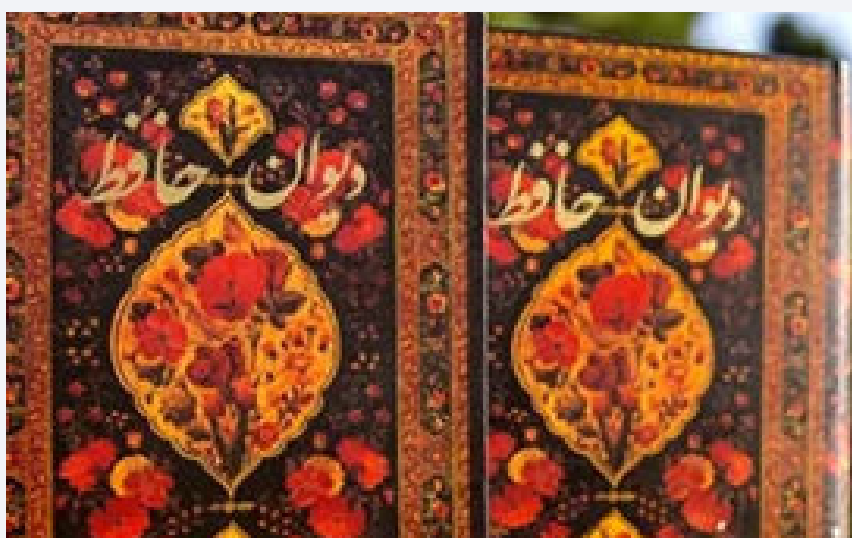
Hafez de Shiraz: Poète mystique et voix intemporelle de la Perse

Chaque année, le 12 octobre, l'Iran célèbre la Journée de Hafez, un hommage national rendu à l'un des plus grands poètes lyriques et mystiques de la littérature persane Khwāja Shams-od-Dīn Moḥammad Ḥāfeẓ-e Shīrāzī, connu simplement sous le nom de Hafez.

Un poète enraciné dans le cœur de la culture iranienne:

Né à Shiraz au XIV^e siècle (vers 1315–1390), Hafez est l'auteur





du Divân, un recueil de ghazals (formes poétiques lyriques persanes) qui continue d'inspirer poètes, mystiques, philosophes et lecteurs du monde entier. Hafez n'est pas seulement une figure littéraire : il est une présence vivante dans la vie quotidienne des Iraniens. Ses vers sont souvent récités lors de fêtes, de cérémonies

spirituelles ou même consultés pour la divination (fāl-e Hafez), un rituel populaire en Iran.

Une poésie entre amour, vin et vérité divine:

Les poèmes de Hafez sont riches de symbolisme soufi : le vin, la taverne, le bien-aimé(e), le jardin — autant d'images am



bivalentes qui disent autant l'amour terrestre que la quête mystique de Dieu. Son style unique allie élégance classique, profondeur philosophique et critiques subtiles des hypocrisies religieuses et sociales de son époque.

Comme l'a écrit Goethe, admirateur fervent de Hafez:

« Hafez, tu m'as ravi. Tu as osé ce que peu d'hommes osent — être libre dans un monde rempli de chaînes. » La Journée de



Hafez: un hommage vivant:

À Shiraz, au tombeau de Hafez (Hāfezieh), des milliers de personnes se réunissent le 12 octobre pour lui rendre hommage. Lectures poétiques, concerts traditionnels, conférences littéraires et moments de recueillement marquent cette journée. C'est un moment fort où la poésie devient un pont entre le passé et le présent, entre l'individuel et l'universel.

Hafez et le monde francophone:

Depuis le XIXe siècle, Hafez



معرفی اشخاص برجسته، حافظ شیرازی

est traduit en français par des orientalistes tels que Charles-Henri de Fouchécour, Joseph-Charles Mardrus ou encore Gilbert Lazard. Ses poèmes résonnent avec les sensibilités philosophiques et littéraires occidentales, en particulier dans les domaines du mysticisme, du romantisme et de la quête de liberté intérieure.

un poète pour tous les temps:

Hafez reste un symbole de résistance spirituelle, de beauté langagière et de sagesse intemporelle. Dans un monde souvent



troublé, sa poésie offre un refuge, une lumière, une invitation à l'amour, à la liberté et à la connaissance de soi.

**Si ce Turc de Shiraz prend mon cœur dans sa main,
Je donnerai pour son grain de beauté l'Inde, Samarcande et
Boukhara.**

**Verse encore du vin, ô échanton, car jamais au paradis
Tu ne trouveras le bord du Roknabad ni la promenade du
Mosalla.**

**Hélas, ces bohémiens espiègles, doux fauteurs de troubles,
Ont ravi ma patience comme les Turcs pillent un festin.**

مقاله اجتماعی



مترجم:

سجاد فهیمی

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل افغانستان

مقاله اجتماعی



نویسنده:

محمد اسحاق امیری

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل افغانستان

The Silk Road and Afghanistan's role in cultural exchange

History of the Silk Road:

The Silk Road is one of the most important historical trade and cultural routes in the world, connecting great civilizations. It was officially established around the second century BC during the Han dynasty in Chi

na. Of course, before that, people traded goods through various paths, but the Silk Road was more organized and had a much greater impact. This route was not only for transporting goods like silk, spices, tea, and fabric but also for exchanging ideas,



knowledge, and religions. Buddhism, Islam, and Christianity, for instance, spread along this route. Interestingly, inventions like paper and gunpowder moved from China to the West, while medical knowledge and architecture traveled from the West to the East. These exchanges brought communities closer and fostered cultural interactions. The Silk Road was influenced at different times

by major empires like Persia, Rome, and the Mongols—each gaining benefits along the way. It was more than a trade route; it was a bridge that connected people and cultures, and its influence can still be seen today.

The Silk Road is one of the most important and historical routes of trade and culture in the world, connecting great civilizations. The route was formally established

around the second century BC, during the Han dynasty in China. Of course, before that, there were ways that people used to trade and exchange goods, but the Silk Road was much more structured, and the impact was much greater.

This route was not just for moving goods like silk, spices, tea, and cloth, but also ideas, knowledge, and even religions. Buddhism, Islam, and Christianity, for example, spread in this way. Interestingly, inventions like paper and gunpowder went from China to the West, and medical knowledge and architecture went from the West to the East. These exchanges brought many communities closer together and





made cultures interact.

Connecting countries and regions:

The Silk Road was a connecting point connecting China to other regions of Asia, the Middle East, Europe, and even North Africa. It started in China and reached Iran, India, and the Middle East through Central Asia. Afghanistan was also a hotspot on the route because of its special

location. The country acted like a bridge connecting East and West.

Cities such as Balkh, Herat, Kabul, and Kandahar in Afghanistan were the main stations of commercial convoys. These cities were not just commercial centers, but also places of exchange of ideas and cultures. Caravans not only transported goods, but also carried ideas and knowledge



from one region to another.

Which countries would benefit from the Silk Road?

The Silk Road had great benefits for many countries and civilizations. China, as the starting point of this path, made a lot of money from silk exports and luxury goods, and its economy was getting stronger. India also found large markets with its spices, precious stones, and fabrics. Iran was a key route because of its position between East and West, and it would both make a lot of money and increase its power. In



the West, the Roman Empire and Byzantium were among the main customers of eastern goods. They loved luxury goods like silk and spices coming from the East. Later, the Islamic caliphate used this path, both for trade and for the spread of culture and knowledge. Many small and large cities also benefited along



the way, because caravans stopped there, and that stop boosted trade and cultural interaction.

Afghanistan's interests in the Silk

Road:

Afghanistan was one of the countries that benefited a lot from the Silk Road because of its special position. This country, which was right in the middle of the East-West Road, acted like a connecting point. Cities like Balkh, Herat, and Kabul were important centers of trade, and goods like precious stones, carpets, and agricultural products were sent from here to the rest of the world. But Afghanistan's interest





was not just economic. The country was also very influential culturally. Various religions, such as Buddhism, Zoroastrianism, Islam, and Hinduism, arrived in Afghanistan this way.

This cultural diversity made Afghanistan a center of cultural exchange. In addition, new knowledge and technologies entered.

Afghanistan through this path and contributed to the country's progress.

The Silk Road made Afghanistan not only a commercial country but also a cultural bridge in history. This path has had a great impact on Afghanistan's economy, culture, and even identity, leaving a valuable legacy.

شعر



سید حسین حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

اهل افغانستان

آیات خداوند

گیسوی مکار از همه دیوانه ترم کرد

دستم به دعا بود و لبم ذاکر نامش

رخسار من آینه می تنهائی و حزن است

دلدار ریاکار که ز نار دلم بود

از لعل لبش جام صداقت نخشیدم

با عشق به آیات خداوند رسیدم

باناله می تزویر به دنبال خدایم

آتشکده را جلوه می محراب و حرم کرد

افسوس و صد افسوس که خونین جگرم کرد

معشوق جفاکار به غم مفتخرم کرد

در کنج خرابات ردا را به سرم کرد

در حیرتم از شهد لبش، خیره سرم کرد

آن شعله می خاموش ز جان بی خبرم کرد

این ناله همان است که عصیان به برم کرد

فرهنگ و تمدن ملل



اسراء نظام

دانشجوی کارشناسی روابط بین الملل

اهل سوریه

نکته الشرق وذاكرة المدن الشاورما السورية



تُعد الشاورما السورية واحدة من أكثر الأكلات شعبية في المطبخ السوري والعربي عمومًا، وهي طبق يجمع بين البساطة في المكونات والغنى في الطعم والتاريخ. لا يمكن المرور في أي شارع من شوارع دمشق أو حلب أو حمص دون أن يجذبك عبير اللحم المشوي على السيخ الدائر ببطء، ذلك المنظر الذي أصبح جزءًا من هوية المدن السورية وأحد رموزها المألوفة.

أصل الشاورما وتطورها في سوريا: يعود أصل الشاورما إلى المطبخ العثماني، وتحديدًا إلى طبق يُعرف باسم ”الدونر كباب“ التركي، والذي انتقل مع الزمن إلى بلاد الشام وتطوّر على أيدي الطهاة السوريين ليأخذ طابعًا خاصًا يميّزه عن باقي الأنواع في المنطقة. ومع مرور السنين، أصبحت الشاورما السورية طبقًا قائمًا بذاته، له طريقته الخاصة في التتبيل والتحضير، حتى صار يُعرف عالميًا

باسم ”Syrian Shawarma“. تميز السوريون بإضافة نكهات فريدة ومكونات محلية جعلت الشاورما مختلفة عن مثيلاتها في تركيا أو لبنان. فقد استخدموا الخل واللبن والبهارات الشرقية كالكمون والهيل والفلفل الأسود والبهار الحلبي، مما أضفى على اللحم طراوةً ورائحةً لا تُنسى. كما أن طريقة شوي اللحم على الفحم أو الغاز جعلت الطعم غنيًا ومميزًا.

فربنگ و تمدن مل، شاورمای سوریه: طعم شرق و خاطره شهرها



المميز والنكهة الغنية جعلتا من الشاورما وجبة محببة لكل الفئات العمرية.

رمزية الشاورما في الثقافة السورية:

تجاوزت الشاورما كونها مجرد وجبة طعام لتصبح رمزاً اجتماعياً وثقافياً في سوريا. فهي حاضرة في اللقاءات العائلية وفي جلسات الأصدقاء، كما ترافق الاحتفالات والمناسبات البسيطة. يُقال إن السوريين قادرين على تناول الشاورما في أي وقت من اليوم، سواء في الغداء أو العشاء أو حتي في نزهة قصيرة.

كما لعبت الشاورما دوراً اقتصادياً مهماً، إذ يعتمد عليها عدد كبير من أصحاب المشاريع الصغيرة. فهي من أكثر الأطعمة التي ساهمت في تشغيل الشباب السوري داخل البلاد

طريقة التحضير ومكوناتها الأساسية:

تُحضّر الشاورما عادةً من اللحم أو الدجاج، ويُقطع إلى شرائح رقيقة تُنقع في تتبيلة غنية قبل يوم كامل على الأقل. توضع هذه الشرائح فوق بعضها البعض على سيخ معدني طويل، وتُشوى ببطء أمام مصدر حرارة دائري حتي تكتسب لوناً ذهبياً رائعاً. يُقطع اللحم أو الدجاج وهو ساخن، ثم يُلف داخل خبز التنور أو الصاج مع إضافات متنوعة مثل الثوم، المايونيز، المخلل، البطاطا المقلية، وأحياناً الطحينة.

في الشوارع السورية، تجد محلات الشاورما الصغيرة منتشرة في كل زاوية، وغالباً ما يكون أمامها طابور من الزبائن بانتظار دورهم. ورغم بساطة المكونات، إلا أن الطعم



فرهنگ و تمدن ملل، شاوورمای سوریه: طعم شرق و خاطره شهرها



وخارجها، خصوصاً بعد انتشار المطاعم السورية في مختلف دول العالم، ما جعل الشاورما السورية جسراً للتعريف بالهوية السورية ونكهة مطبخها الأصيل.

انتشارها العالمي وتأثيرها الثقافي:

في السنوات الأخيرة، انتقلت الشاورما السورية إلى مختلف أنحاء العالم بفضل الهجرة وانتشار المطاعم السورية. من أوروبا إلى علامة تجارية تجذب الزبائن الذين يبحثون عن المذاق الشرقي "Syrian Shawarma" الخليج وأمريكا، أصبح اسم الأصيل. كثير من الأجانب جرّبوا الشاورما لأول مرة في مطعم سوري، ليكتشفوا من خلالها جزءاً من الثقافة السورية الغنية بالتاريخ والنكهات.

إن الشاورما السورية ليست مجرد طعام يُقدّم في خبز ملفوف، بل هي قصة حضارة ونكهة وذاكرة. تحمل في طياتها عبق التاريخ العثماني وروح الشام القديمة، وتعبّر عن براعة السوريين في تحويل البساطة إلى فنٍّ من أرقى فنون الطهو. ومع استمرار انتشارها عالمياً، تبقى الشاورما السورية رمزاً للدفء والضيافة، ولذة الحياة اليومية في سوريا.

The seventh dormitory gathering

گزارش



فہیم یار بیگ

دانشجوی کارشناسی رشته معماری

اہل پاکستان

Event Summary:

On 21st of October 2025 the Hostel of Ahlulbayt International University hosted the 7th Dormmates Gathering, an energetic evening that united students from multiple countries in music, food, friendly contests, and shared stories. The program fostered cultural exchange and strengthened communal bonds among residents, leaving

participants with vivid memories and new friendships.

Program Details:

- Traditional singing and local music: Performers presented songs and instrumental pieces from their native countries, moving the audience between quiet, reflective moments and joyful, rhythmic displays. Solo and group acts showcased linguistic and musical



diversity, eliciting warm applause and spontaneous sing alongs.

Egg Cooking: Contest and communal sharing: Several teams competed in a lighthearted culinary challenge that celebrated creativity as much as taste. Dishes ranged from classic omelets to inventive fusion plates, judged on flavor, presentation, and originality. After judging, all prepared egg dishes were shared among attendees, turning competition into a

communal tasting that encouraged conversation and cultural exchange.





گزارش، هفتمین دورهمی هم خوابگاهی‌ها



Tug of War Contest: Teams faced off in a spirited Tug of War that combined strength, strategy, and team spirit. The match generated loud encouragement, good natured teasing, and several dramatic comebacks, becoming one of the night's most talked about moments.

Birthday Cake Cutting Ceremony: The evening included a cake cutting to celebrate residents with birthdays in October. The group gathered around the cake to sing and congratulate the celebrants,

then continued the celebration together, reinforcing a sense of family within the hostel community.

Atmosphere and Participation:

The hostel spaces were transformed into a welcoming festival environment with improvised seating, simple decorations, and small food stations. Attendance was broad and diverse; students moved easily between performing, spectating, and socializing. Laughter, applause, shared plates, and conversations about home cultures threaded through the evening, producing an



atmosphere of warmth and inclusion.

Impact and Observations:

Community cohesion: The event strengthened interpersonal ties and reduced cultural distance among residents.

Cultural appreciation: Performances and shared meals deepened mutual understanding and respect for diverse traditions.

Student engagement: The mix of performances, competitions, communal dining, and birthday celebration revealed hidden talents and encouraged wide participation.

Memorable outcomes: Attendees left with new contacts, recipes, shared memories, and a stronger sense of belonging.





حضرت زهرا سلام الله علیها

دانشجو



حلیمه توسعدیه

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

اهل اندوزی

در دل تاریخ، در برهه‌ای که نور وحی بر زمین تابید، دختری از جنس آسمان‌ها پا به عرصه وجود گذاشت که نامش را به عنوان «سیده نساء العالمین» جاودانه کرد. او حضرت زهرا (سلام الله علیها) است؛ زنی که با نور ایمانش، تاریکی‌های زمانه را روشن ساخت و با فضایلش، الگویی بی‌نظیر برای تمام بشریت شد. او نه تنها دختر پیامبر بزرگ اسلام، بلکه نماد کمال انسانی، فداکاری و صداقت است.

حضرت زهرا (س) در خانه‌ای رشد کرد که وحی الهی در آن نازل می‌شد. او به عنوان دختر پیامبر اکرم (ص)، از ابتدای زندگی‌اش با

اخلاقی و انسانی آراسته بود. از دوران کودکی، او به عنوان دختری با محبت و دلسوز شناخته می‌شد. او همواره در کنار پدر بزرگوارش، رسول الله (ص)، بود و به او یاری می‌رساند. در زمان‌هایی که پیامبر (ص) با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌رو بود، فضایل دخترش با حمایت و محبت خود، دل او را تسکین می‌داد. این ارتباط عمیق و محبت‌آمیز میان پدر و دختر، نشان‌دهنده اهمیت خانواده و ارزش‌های انسانی در سیره حضرت زهرا (س) است.

یکی از بارزترین ویژگی‌های حضرت زهرا (س) صداقت و راستگویی او بود. او در زندگی‌اش



می‌کرد و همواره سعی می‌کرد تا آن‌ها را برای مسئولیت‌های بزرگ آینده آماده کند. شهادت حضرت زهرا (س) نه تنها به عنوان یک واقعه تاریخی، بلکه به عنوان یک نماد از فداکاری و ایثار در راه حق و عدالت یاد می‌شود.

یاد حضرت زهرا (س) همواره در دل‌ها زنده است. او نه تنها یک شخصیت تاریخی، بلکه نمادی از فداکاری، عشق و انسانیت است. او به ما یادآوری می‌کند که باید در زندگی‌مان همواره به دنبال حق و حقیقت باشیم و برای برقراری عدالت تلاش کنیم. با پیروی از سیره و آموزه‌های او، بیایید در زندگی‌مان تلاش کنیم تا عدالت و محبت را گسترش دهیم و یاد او را در دل‌هایمان زنده نگه داریم.

همواره بر اصول اخلاقی پایبند بود و به عنوان یک الگو، به دیگران آموزش می‌داد که چگونه باید در زندگی، صداقت و انصاف را سرلوحه قرار دهند.

حضرت زهرا (س) همچنین همسری وفادار و مادری دلسوز بود. او در کنار همسرش، امام علی (ع)، برای برپایی جامعه‌ای بر پایه عدالت و انصاف تلاش کرد. در زندگی خانوادگی، او به عنوان مادری مهربان و دلسوز، فرزندان را با ارزش‌های اسلامی تربیت کرد و آن‌ها را به محبت و صداقت ترغیب می‌نمود. او در تربیت فرزندان به ویژه امام حسن و امام حسین (ع)، به اهمیت علم، تقوا و فداکاری تأکید.

The Impact of Artificial Intelligence on Society and Employment

مقاله علمی

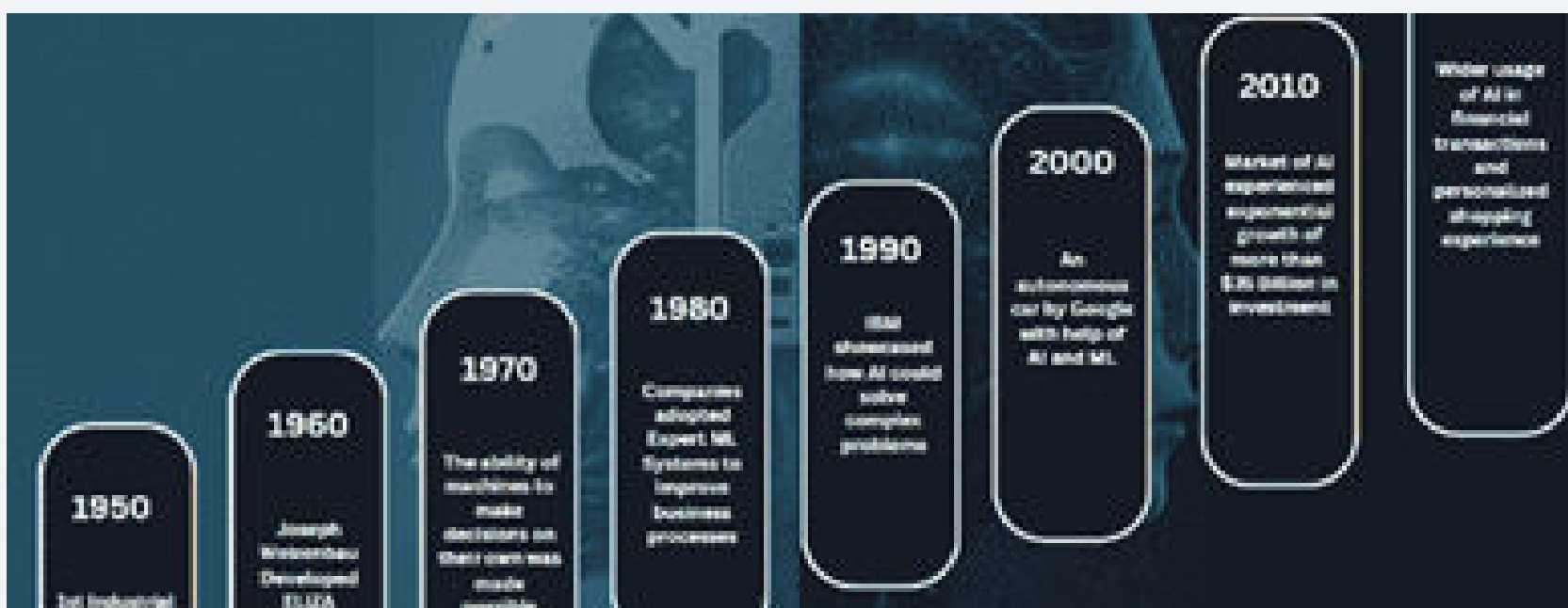


مصمونه

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر
اهل پاکستان

Artificial Intelligence (AI) has rapidly transformed from a concept in science fiction to a powerful force shaping the twenty-first century. It refers to the ability of machines and computer systems to perform tasks that usually require human intelligence, such as problem solving, decision-making, language processing, and learning. The rise of AI has been so influential that many scholars call it the “Fourth Industrial Revolution,” following

the earlier revolutions of steam, electricity, and digital technology. The impact of AI on society and employment is a matter of global concern. On the one hand, it has opened new horizons for innovation, efficiency, and economic growth. On the other hand, it has also raised fears of unemployment, inequality, and ethical challenges. This article aims to provide a balanced discussion on how AI is affecting different areas of society, its



role in transforming the job market, the opportunities it brings, and the challenges we must address.

AI and Society

Artificial Intelligence has entered almost every part of human life. From healthcare to education, and from transportation to entertainment, it has reshaped how people live, work, and interact.

Healthcare: AI systems are revolutionizing medicine by detecting diseases earlier and more accurately. For example, AI can analyze X-rays and MRI scans faster than human doctors, often identifying small patterns that might go unnoticed. Personalized medicine, where treatment is designed according to a patient's genetic profile, is also being enhanced



by AI. These innovations save lives and reduce medical costs.

Education: In classrooms, AI is helping students learn more effectively. Platforms like digital tutoring systems, ChatGPT, and adaptive learning software provide customized learning experiences. Teachers can also use AI tools to identify weak areas in students' performance, making education more efficient and inclusive.

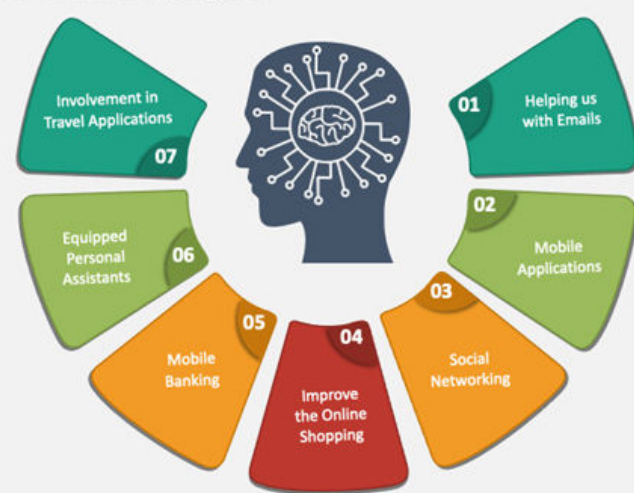
Transportation: Self-driving cars, drones, and smart traffic systems are transforming how people move from one place to another.



مقاله علمى، تاثير موش مصنوعى بر جامعه و اشتغال

AI IN DAILY LIFE

Applications of Artificial Intelligence



Companies such as Tesla and Google's Waymo are testing vehicles that can drive without human control. In the future, this may reduce accidents, fuel consumption, and traffic congestion.

Daily Life: Many people are already surrounded by AI without realizing it. Voice assistants like Siri and Alexa, recommendation systems on



YouTube and Netflix, and personalized shopping on Amazon are all AI-driven. These systems make daily activities more convenient but also raise concerns about privacy and over-dependence on technology.

Ethical Concerns: While AI brings convenience, it also raises questions about ethics. Issues such as data privacy, surveillance, algorithmic bias, and lack of accountability remain serious challenges.

For instance, if an AI-powered self-driving car causes an accident, who is responsible—the programmer, the manufacturer, or the user? Such dilemmas show that society must be cautious and thoughtful in adopting AI.

AI and Employment

Perhaps the most debated aspect of AI is its impact on employment. The modern workplace is being reshaped by automation, robotics, and machine learning.



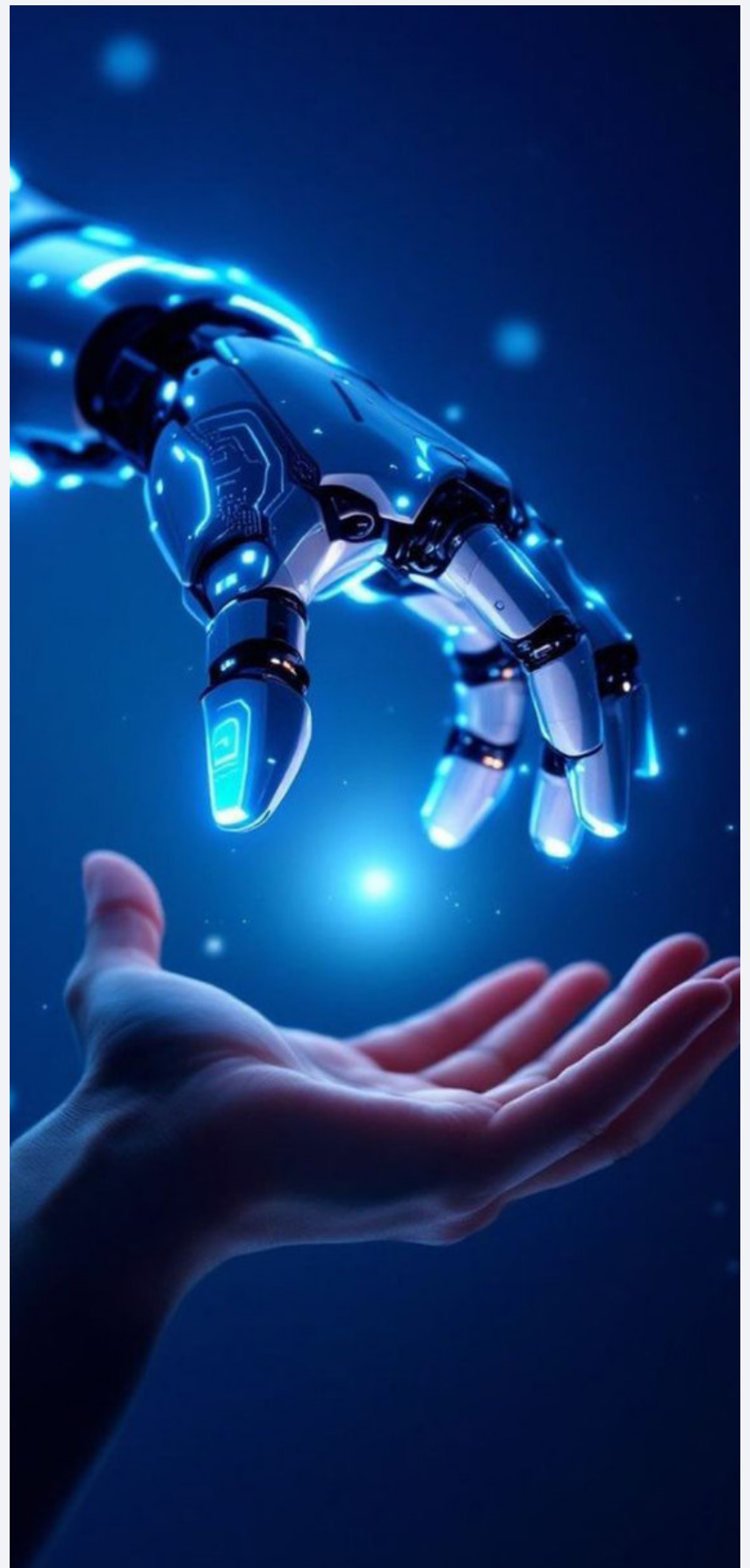
Automation Replacing Jobs: Many traditional jobs, especially those involving repetitive tasks, are increasingly performed by machines. In factories, robots can assemble cars and electronics faster and with fewer errors than humans. Call centers now use AI chatbots to answer customer queries, reducing the need for large human staff. Similarly, transport industries may see massive job losses if self-driving trucks replace human drivers.

Job Creation: Despite these threats, AI is also creating new types of jobs. Data scientists, AI engineers, cybersecurity specialists, and robotics technicians are in high demand. Entirely new industries are emerging around AI technology, from autonomous vehicles to medical robotics. According to the World Economic Forum, AI may create more jobs than it eliminates by 2030, but the challenge is whether workers can adapt to these

new roles.

Skills Gap: The major challenge is not simply job loss but the mismatch of skills. Workers who lose their jobs in traditional industries may not easily transition into new AI-related roles. This makes education, reskilling, and lifelong learning essential for the future workforce. Universities, governments, and companies need to collaborate to prepare workers for AI-driven economies.

Case Studies: Amazon warehouses use thousands of robots to move goods, making the supply chain faster but reducing the need for



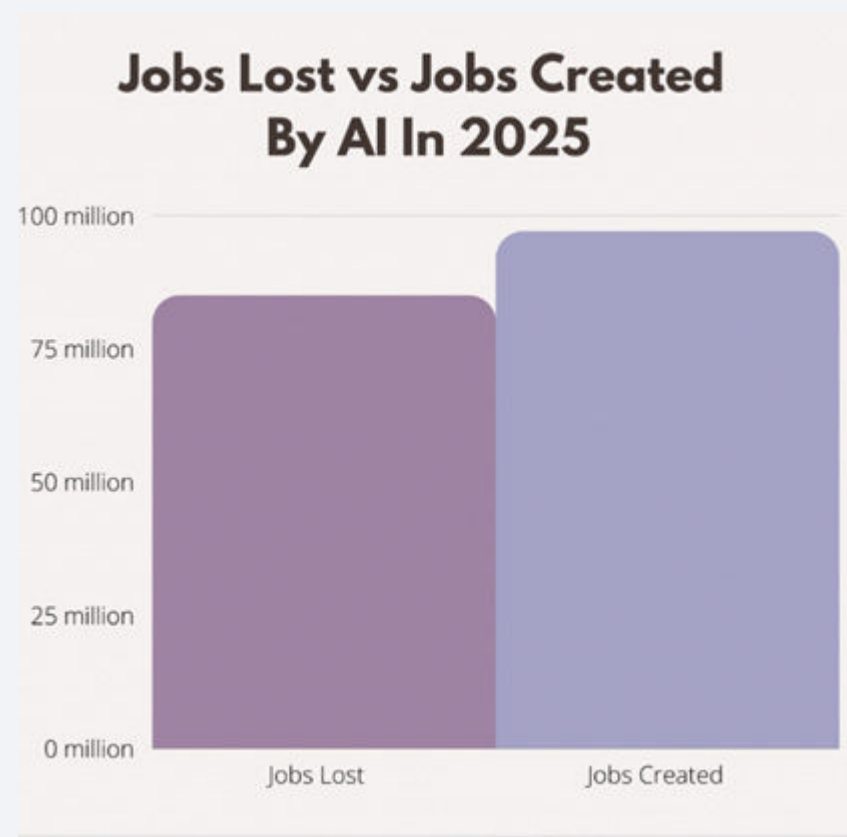


human labor. At the same time, these warehouses have also hired more technicians and AI supervisors. In the healthcare sector, robots can assist with surgeries, but skilled doctors are still needed for complex decision-making. These examples show that AI does not simply replace humans; it transforms the way humans and machines work together.

Opportunities Brought by AI

AI is not only a challenge but also an opportunity. Its applications can lead to significant benefits for economies and societies.

Increased Productivity: AI systems



can analyze massive amounts of data within seconds, helping businesses make better decisions and reduce waste.

Innovation: Startups are using AI to create new products and services, from smart home devices to AI-powered medical diagnosis tools.



Government and Policy: AI helps governments in planning cities, predicting climate change impacts, and improving security systems.

Human-AI Collaboration: Rather than replacing humans, AI often complements them. For example, AI can assist doctors in diagnosis while doctors make the final decisions. This human-AI partnership has the potential to produce the best outcomes.

Challenges of AI

While AI brings opportunities, the risks and challenges must not be ignored.

Unemployment Risks: Workers in low-skilled jobs face the highest risk of losing employment to machines. This could increase social inequality.

Economic Inequality: Countries and companies with advanced AI will grow richer, while those with



out access may fall further behind.

Dependence on Machines: Over-reliance on AI could weaken human creativity and critical thinking.

Lack of Regulation: Currently, there are few global rules controlling the ethical use of AI. Without proper regulation, AI could be misused in surveillance, military applications, or spreading misinformation.

Artificial Intelligence is neither purely a blessing nor a curse. It is a powerful tool that can be used for progress or harm, depending on how society chooses to adopt it. While AI is transforming society by making life more convenient, efficient, and innovative, it is also changing the job market in ways that demand careful planning.

The challenge is to ensure that workers are not left behind. Reskilling programs, stronger education systems, and global cooperation on AI ethics are essential steps. Governments, companies, and individuals must work together to make sure that AI empowers humans rather than replaces them. In the end, the question is not whether AI will change society and employment—it already has. The real question is whether we are ready to adapt and ensure that these changes bring positive outcomes for everyone.



گذر از طوفان

شعر



اسدالله احمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

اهل افغانستان

باغبانی کی رسد تا از زمستان نگذرد

تا که از ویرانه های سخت زندان نگذرد

تا از این خشکیده ی صحرای تفتان نگذرد

تا که ایوب از زن و اموال و طفلان نگذرد

کی ارسطو می شود تا کاو زیونان نگذرد

کی به حاصل می رسد تا باد و باران نگذرد

ناخدا تا از دل امواج طوفان نگذرد

کی شود فرزند کنعانی عزیز مصریان

می شود آیا سلیمانی جهانگیری کند؟

کی شود الگوی صبر و استقامت در جهان

مثل سقراط ار که می خواهی جهان بالا شوی

حاصلی خواهی که از خواب بهاران بگذرد

R A S T A K A N D I S H E

رستاک اندیش

فراخون دریافت آثار

علاقه‌مندان می‌توانند؛ آثار خود را در یکی از محورهای زیر
به آیدی‌های ذیل در پیام‌رسان ایتا و تلگرام ارسال نمایند

  Z_shabani3

محورهای نشریه

مقاله

شعر

خبر

دانشجو

مصاحبه

سفرنامه

داستانک

فرهنگ و تمدن ملل

داستان کوتاه

گزارش

آدرس دفتر نشریه

تهران، اتوبان خلیج فارس، جنب عوارضی تهران-قم، دانشگاه بین‌المللی
اهل بیت (علیهم‌السلام)، معاونت فرهنگی و دانشجویی، واحد شماره (۹)